



Educational Management and Social Crime Prevention: Identification and Analysis of Effective Functions in Secondary Schools of Alborz Province

Ali Akbar Sadin¹, Moslem Ghobadian², Hossein Abbasi³

Abstract

Field and Aims: Schools play a crucial role in shaping students' behaviors and in social crime prevention. The quality of educational management can significantly influence the reduction of high-risk behaviors and the development of social and ethical skills in students. This study aimed to examine the role of educational management in social crime prevention within schools and to identify its key functions.

Method: The research employed a mixed-methods design within a pragmatic paradigm. In the qualitative phase, data were collected through semi-structured interviews with experts and analyzed using a grounded theory approach, resulting in six main functions and 24 indicators. In the quantitative phase, a questionnaire was administered to 386 teachers, principals, and deputies. Reliability and validity were confirmed using Cronbach's alpha, composite reliability (CR), average variance extracted (AVE), and the Fornell-Larcker criterion.

Findings and Conclusions: One-sample t-test analysis indicated that all six functions—design and implementation of educational programs, creation of a safe school environment, development of students' social skills, effective interaction with parents and community, civic education and responsibility, and promotion of ethical values—had a significant impact on reducing high-risk behaviors. Comprehensive and purposeful educational management can effectively prevent social crime by fostering a safe environment, enhancing social and ethical skills, and encouraging active participation of parents and community. These findings provide a robust scientific and practical basis for educational policy and school planning.

Keyword: Educational management, social crime prevention, school, high-risk behaviors.

* Citation (APA): Ghobadian, M., Sadin, A.A., Abbasi, H. (2025). Educational Management and Social Crime Prevention: Identification and Analysis of Effective Functions in Secondary Schools of Alborz Province. *Applied criminology research*, 3(8), 125-140.

https://www.qacr.ir/article_732063.html?lang=en

1. PhD in Educational Administration, Kharazmi University. (Corresponding author).

Email: a.a.sadi60@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran.

Email: mghobadiyan@cfu.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran.

Email: habbasi7884@cfu.ac.ir



مدیریت آموزشی و پیشگیری اجتماعی از جرم: شناسایی و بررسی کارکردهای مؤثر در مدارس متوسطه دوم استان البرز

علی اکبر سادین^۱✉، مسلم قبادیان^۲، حسین عباسی^۳

چکیده

زمینه و هدف: مدارس نقش مهمی در شکل‌دهی رفتارهای دانش‌آموزان و پیشگیری اجتماعی از جرم دارند. کیفیت مدیریت آموزشی می‌تواند بر کاهش رفتارهای پرخطر و ارتقای مهارت‌های اجتماعی و اخلاقی دانش‌آموزان تأثیرگذار باشد. این پژوهش با هدف بررسی نقش مدیریت آموزشی در پیشگیری اجتماعی از جرم در محیط مدرسه و شناسایی کارکردهای کلیدی آن انجام شد.

روش: مطالعه از رویکرد آمیخته و پارادایم پراگماتیسم بهره‌برد. در بخش کیفی، داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با کارشناسان جمع‌آوری و با روش داده‌بنیاد تحلیل شد که منجر به استخراج ۶ کارکرد اصلی و ۲۴ نشانگر گردید. در بخش کمی، پرسش‌نامه‌ای برای ۳۸۶ معلم، مدیر و معاون طراحی شد و پایایی و روایی آن با آلفای کرونباخ، CR، AVE و شاخص فروئل-لارکر تأیید شد.

یافته‌ها و نتایج: تحلیل آزمون t تک‌نمونه‌ای نشان داد که تمامی شش کارکرد شامل طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی، ایجاد محیط ایمن، پرورش مهارت‌های اجتماعی، تعامل با والدین و جامعه، آموزش حقوق شهروندی و مسئولیت‌پذیری، و فرهنگ‌سازی و تقویت ارزش‌های اخلاقی، تأثیر معناداری بر کاهش رفتارهای پرخطر دارند.

مدیریت آموزشی جامع و هدفمند می‌تواند با ایجاد محیط امن، تقویت مهارت‌های اجتماعی و اخلاقی، و مشارکت فعال والدین و جامعه، نقش مؤثری در پیشگیری اجتماعی از جرم ایفا کند و مبنای علمی و عملی مناسبی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزشی فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها: مدیریت آموزشی، پیشگیری اجتماعی از جرم، مدرسه، رفتارهای پرخطر.

*استناددهی (APA): قبادیان، مسلم؛ سادین، علی‌اکبر؛ عباسی، حسین. (۱۴۰۴). مدیریت آموزشی و پیشگیری اجتماعی از جرم: شناسایی و بررسی کارکردهای مؤثر در مدارس متوسطه دوم استان البرز. پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی، ۳(۸)، ۱۲۵-۱۴۰.

https://www.qacr.ir/article_732063.html

۱. مدرس گروه آموزش علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: a.a.sadi60@gmail.com

۲. استادیار گروه آموزش علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. رایانامه: mgghobadiyan@cfu.ac.ir

۳. استادیار گروه آموزش علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. رایانامه: habbasi7884@cfu.ac.ir

مقدمه

مدرسه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، نه تنها وظیفه آموزش دانش و مهارت‌های علمی را بر عهده دارد، بلکه نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری شخصیت، هویت اجتماعی و فرایند جامعه‌پذیری دانش‌آموزان ایفا می‌کند (دیباپی و میرعرب رضی، ۱۴۰۰؛ گلانز و بیشاپ^۱، ۲۰۰۲). در حقیقت، مدرسه به‌مثابه یک «محیط اجتماعی» عمل می‌کند که در آن کودکان و نوجوانان با ارزش‌ها، هنجارها و قوانین جامعه آشنا می‌شوند. بنابراین، کیفیت مدیریت آموزشی در مدارس می‌تواند تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر رشد فکری، اخلاقی و اجتماعی نسل آینده داشته باشد (کرامتی، شهامت و خسروی، ۱۳۹۰).

در سال‌های اخیر، افزایش آسیب‌های اجتماعی و بزهکاری در میان نوجوانان، یکی از نگرانی‌های عمده نظام‌های آموزشی و خانواده‌ها بوده است (محمدی منش و بخش سورشجانی، ۱۳۹۹). مطالعات جرم‌شناسی نشان داده‌اند که بسیاری از رفتارهای پرخطر و جرایم خرد، ریشه در ناکارآمدی فرآیندهای تربیتی و آموزشی دارد. زمانی که دانش‌آموزان فاقد مهارت‌های زندگی، احساس تعلق اجتماعی و درک درست از مسئولیت‌های شهروندی باشند، احتمال گرایش آن‌ها به بزهکاری و رفتارهای ناهنجار بیشتر می‌شود (حمر و همکاران، ۱۴۰۲). ز همین رو، نقش مدرسه و به‌ویژه مدیریت آموزشی در پیشگیری اجتماعی از جرم اهمیت دوچندان می‌یابد.

مدیریت آموزشی، مجموعه فعالیت‌ها و سیاست‌هایی است که مدیران مدارس برای سازمان‌دهی، هدایت و نظارت بر فرآیندهای یادگیری و تربیتی اتخاذ می‌کنند (ولی زاده، ۱۴۰۱). این مدیریت تنها محدود به برنامه‌های درسی نیست، بلکه شامل طراحی محیطی امن، ایجاد روابط انسانی مثبت، تعامل مؤثر با والدین، آموزش حقوق شهروندی، و پرورش مهارت‌های فردی و اجتماعی نیز می‌شود (ابراهیمی، ۱۴۰۲؛ پگارو^۲، ۲۰۲۳). بدین ترتیب، یک مدیریت آموزشی کارآمد می‌تواند نقش اساسی در کاهش زمینه‌های بزهکاری ایفا کند؛ زیرا از طریق آموزش، فرهنگ‌سازی و ایجاد پیوندهای اجتماعی مستحکم، رفتارهای مثبت و مسئولانه در دانش‌آموزان نهادینه می‌شود (ابراهیمی، ۱۴۰۲).

بزهکاری نوجوانان و جوانان یکی از مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی جوامع معاصر است. آمارهای رسمی نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از جرایم ارتكابی مربوط به قشر نوجوان و جوان است؛ قشری که بیشترین زمان خود را در مدارس می‌گذرانند (کلارک، فلسون^۳، ۲۰۲۳). از منظر جرم‌شناسی، پیشگیری اجتماعی از جرم بر تقویت عوامل بازدارنده و کاهش

1. Glanz & Bishop
2. Peguero
3. Clarke & Felson

شرایط زمینه‌ساز بزهکاری تمرکز دارد. مدارس، به‌عنوان نخستین محیط رسمی اجتماعی سازی پس از خانواده، می‌توانند نقش مهمی در این زمینه ایفا کنند (محمدی و حاتمی، ۱۳۹۷).

اگر مدیریت آموزشی در مدارس تنها بر جنبه‌های صرفاً آموزشی و انتقال دانش علمی متمرکز شود و به پرورش ابعاد اجتماعی، اخلاقی و حقوقی دانش‌آموزان توجه نکند، این نهاد مهم اجتماعی از ایفای نقش پیشگیرانه خود بازمی‌ماند (نصیری و محمدی، ۱۴۰۲). چنین غفلتی می‌تواند پیامدهایی همچون افزایش ناهنجاری‌های رفتاری، ضعف در مسئولیت‌پذیری، و گرایش به گروه‌های ناسالم اجتماعی را در پی داشته باشد (گلانز^۱، ۲۰۲۴). از این رو، لازم است که مدیران آموزشی با رویکردی جامع و همه‌جانبه، به طراحی و اجرای برنامه‌هایی بپردازند که به تقویت سرمایه اجتماعی، ارتقای آگاهی حقوقی، توسعه مهارت‌های زندگی و ایجاد حس تعلق به مدرسه و جامعه منجر شود.

پیشگیری اجتماعی از جرم یکی از مهم‌ترین اهداف نهادهای تربیتی و آموزشی در جوامع امروزی به‌شمار می‌رود. در این میان، مدارس به‌عنوان نخستین محیط رسمی اجتماعی‌پذیری کودکان و نوجوانان، نقشی بنیادین در شکل‌گیری شخصیت، رفتارهای اجتماعی و هنجارپذیری آنان ایفا می‌کنند. از این رو، مدیریت آموزشی در مدارس تنها زمانی می‌تواند مأموریت خود را به‌طور کامل انجام دهد که علاوه بر تمرکز بر انتقال دانش علمی، به تربیت اخلاقی، اجتماعی و حقوقی دانش‌آموزان نیز توجهی جدی داشته باشد.

پرسش اساسی این است که مدیریت آموزشی تا چه اندازه توانسته است در ایفای نقش پیشگیرانه در برابر بزهکاری و انحرافات اجتماعی مؤثر واقع شود؟ و اینکه چه راهبردها و سازوکارهایی در محیط‌های مدرسه‌ای می‌توانند به‌عنوان سپری بازدارنده در برابر گرایش دانش‌آموزان به رفتارهای پرخطر و ضد اجتماعی عمل کنند؟ پاسخ به این پرسش‌ها نه تنها به توسعه ادبیات علمی در حوزه‌های آموزش، روان‌شناسی اجتماعی و جرم‌شناسی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند مبنایی برای تدوین سیاست‌های آموزشی و اجتماعی در سطح ملی باشد.

مدیریت آموزشی کارآمد، با اتخاذ رویکردی جامع‌نگر و تربیت‌محور، قادر است با ایجاد محیطی امن، مشارکتی و اخلاق‌مدار، زمینه‌های بروز رفتارهای ناسازگار را کاهش دهد. این نوع مدیریت با بهره‌گیری از برنامه‌های فرهنگی، مشاوره‌ای، مشارکت خانواده‌ها، آموزش مهارت‌های زندگی و تقویت هویت مثبت در دانش‌آموزان، می‌تواند نقش مؤثری در پیشگیری از بزهکاری ایفا کند.

بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش و کارکرد مدیریت آموزشی در مدارس، تلاش دارد تا ابعاد مختلف این موضوع را تحلیل کرده و راهکارهایی عملی برای تقویت نقش

1. Glanz

پیشگیرانه مدارس در برابر آسیب‌های اجتماعی ارائه دهد. این بررسی نه تنها به فهم بهتر تعامل میان آموزش و پیشگیری اجتماعی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به‌عنوان الگویی برای بهبود سیاست‌گذاری‌های تربیتی در کشور مورد استفاده قرار گیرد.

چارچوب نظری

مدیریت آموزشی در مدارس نقش کلیدی در شکل‌دهی رفتارهای دانش‌آموزان و پیشگیری از رفتارهای پرخطر ایفا می‌کند. این نقش از طریق طراحی و اجرای سیاست‌ها، برنامه‌ها و محیط‌هایی که بر توسعه اجتماعی، اخلاقی و روانی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد، تحقق می‌یابد (حمر و همکاران، ۱۴۰۲). پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که کیفیت مدیریت آموزشی با تقویت مهارت‌های اجتماعی، اخلاقی و شهروندی، توانایی دانش‌آموزان در مدیریت رفتارهای پرخطر را افزایش می‌دهد و در پیشگیری اجتماعی از جرم مؤثر است (فریمن، تلز و جانس^۱ ۲۰۲۴).

یکی از نظریه‌های مطرح در این زمینه، نظریه کنترل اجتماعی است که بر اساس آن، روابط، تعهدات، ارزش‌ها، هنجارها و باورهای افراد موجب می‌شود تا آن‌ها از ارتکاب اعمال ضد اجتماعی خودداری کنند. این نظریه بیان می‌کند که اگر کدهای اخلاقی درونی‌سازی شده و افراد به جامعه و نهادهای آن متصل باشند، تمایل کمتری به ارتکاب اعمال بزهکارانه خواهند داشت (هریشی^۲، ۱۹۶۹ به نقل از ولی زاده، ۱۴۰۱). در زمینه مدارس، این بدان معناست که مدیریت آموزشی با ایجاد محیطی که در آن ارزش‌ها و هنجارهای مثبت تقویت شوند، می‌تواند از بروز رفتارهای پرخطر جلوگیری کند و حس تعلق اجتماعی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان را افزایش دهد.

نظریه یادگیری اجتماعی نیز تأکید دارد که رفتارهای فردی از طریق تعاملات اجتماعی و مشاهده رفتارهای دیگران آموخته می‌شوند (بندورا^۳، ۱۹۷۷؛ محمدی، ۱۴۰۲). در مدارس، دانش‌آموزان از طریق تعامل با معلمان، همکلاسی‌ها و محیط مدرسه، رفتارهای اجتماعی را می‌آموزند. بنابراین، مدیریت آموزشی با طراحی برنامه‌های آموزشی و فعالیت‌های گروهی می‌تواند رفتارهای مثبت را تقویت و رفتارهای منفی را کاهش دهد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که فعالیت‌های گروهی، کارگاه‌های مهارت‌آموزی و آموزش حل تعارض، به شکل چشمگیری توانایی دانش‌آموزان در کنترل رفتارهای پرخطر را افزایش می‌دهند (گرچی، ۱۴۰۲).

1. Freeman, Tellez & Jones
2. Herishi
3. Bandura

علاوه بر این، نظریه فرصت‌های روتینی به این موضوع می‌پردازد که وقوع جرم به وجود فرصت‌های مناسب بستگی دارد (ایروین، ونگ و تامپسون^۱، ۲۰۲۰، محمدی، ۱۴۰۲). در مدارس، با ایجاد محیطی که فرصت‌های ارتکاب جرم را کاهش دهد، می‌توان از بروز رفتارهای پرخطر جلوگیری کرد. این امر از طریق طراحی محیط فیزیکی مدرسه، نظارت مؤثر، ایجاد قوانین و مقررات روشن و اجرای سیاست‌های انضباطی منسجم امکان‌پذیر است. تحقیقات نشان داده‌اند که نظارت فعال و حضور مستمر مدیر و معلمان در فضاهای مدرسه، میزان بروز رفتارهای پرخطر را کاهش می‌دهد و دانش‌آموزان حس امنیت بیشتری پیدا می‌کنند (رحیمی، ۱۴۰۲).

برنامه‌های پیشگیری مدرسه‌محور نیز به‌طور گسترده‌ای در تحقیقات اخیر مورد تأکید قرار گرفته‌اند. این برنامه‌ها با هدف کاهش جرم و بزهکاری از طریق هدف‌گیری عوامل خطر و تقویت عوامل محافظتی، به ویژه مهارت‌های اجتماعی، حل تعارض و پیشگیری از زورگویی، نقش مهمی در ایجاد فضای مدرسه‌ای مثبت ایفا می‌کنند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲). علاوه بر این، تعامل میان مدرسه، خانواده و جامعه محلی باعث می‌شود دانش‌آموزان در معرض حمایت اجتماعی بیشتری قرار بگیرند و احتمال گرایش به رفتارهای پرخطر کاهش یابد.

در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که مدیریت آموزشی با تأثیرگذاری بر محیط مدرسه، روابط اجتماعی، فرصت‌های موجود و برنامه‌های آموزشی، نقش مؤثری در پیشگیری اجتماعی از جرم در محیط‌های مدرسه‌ای دارد. اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های مؤثر در این زمینه می‌تواند به کاهش رفتارهای پرخطر و ارتقای سلامت اجتماعی دانش‌آموزان منجر شود. به عبارت دیگر، مدیریت آموزشی نه تنها بر یادگیری علمی، بلکه بر سلامت روانی، اجتماعی و اخلاقی دانش‌آموزان اثرگذار است و یک ابزار پیشگیرانه کلیدی در برابر بزهکاری محسوب می‌شود (شریف نژاد و همکاران، ۱۴۰۱؛ محمدی، ۱۴۰۲).

پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهند که مدیریت آموزشی و طراحی برنامه‌های مدرسه‌ای با تأکید بر مهارت‌های زندگی و تعاملات اجتماعی، نقش مهمی در پیشگیری از رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان دارند. محمدی (۱۴۰۲) در مطالعه خود نشان داد که یادگیری اجتماعی از طریق تعاملات با معلمان و همکلاسی‌ها، رفتارهای مثبت اجتماعی را در دانش‌آموزان تقویت می‌کند و تمایل به بزهکاری را کاهش می‌دهد. نجفی (۱۴۰۱) با بررسی برنامه‌های گروهی و کارگاه‌های مهارت‌آموزی، دریافت که آموزش حل تعارض و مهارت‌های اجتماعی به شکل قابل توجهی توانایی دانش‌آموزان در مدیریت رفتارهای پرخطر را افزایش می‌دهد. حسینی

1. Irwin, Wang & Thompson

(۱۴۰۱) با تکیه بر نظریه فرصت‌های روتینی، تأکید کرد که ایجاد محیط فیزیکی امن، نظارت مستمر و قوانین منسجم، زمینه‌های وقوع رفتارهای پرخطر را کاهش می‌دهد. همچنین، رحیمی (۱۴۰۲) نشان داد که حضور فعال مدیران و معلمان و نظارت بر فضاهای مدرسه، می‌تواند حس امنیت دانش‌آموزان را افزایش داده و رفتارهای پرخطر را کاهش دهد. قاسمی (۱۴۰۲) نیز در پژوهشی دیگر به اهمیت برنامه‌های پیشگیری مدرسه‌محور اشاره کرده است که با هدف تقویت عوامل محافظتی و کاهش عوامل خطر، می‌توانند سلامت اجتماعی و اخلاقی دانش‌آموزان را ارتقا دهند.

در حوزه مطالعات خارجی نیز نتایج مشابهی مشاهده می‌شود. ایروین و همکاران (۲۰۲۳) در مطالعه خود نرخ خشونت در مدارس آمریکا در حال کاهش است، اما تهدیدهای سایبری و آزار آنلاین در حال افزایش‌اند و مدارس با برنامه‌های پیشگیرانه، نظارت مؤثر و آموزش مهارت‌های اجتماعی، عملکرد بهتری در کاهش بزهکاری دارند. در مطالعه ای یونیسف و یونسکو (۲۰۲۳) تأکید شده است که برنامه‌های مدرسه‌محور زمانی بیشترین اثربخشی را دارند که با مشارکت خانواده، جامعه و سیاست‌گذاران همراه باشند. این نهادها توصیه می‌کنند که آموزش مهارت‌های زندگی، حل مسئله و تقویت روابط مثبت در مدرسه، پایه‌ای برای پیشگیری از خشونت و رفتارهای پرخطر است. فریمن و همکاران (۲۰۲۴) در مرور نظام‌مند، مشخص شد که برنامه‌های پیشگیری از خشونت در مدارس ابتدایی باعث کاهش رفتارهای پرخطر و بهبود سلامت روانی دانش‌آموزان شده‌اند. مشارکت والدین و آموزش معلمان از عوامل کلیدی موفقیت این برنامه‌ها معرفی شده‌اند. گاستیک و گاستیکی (۲۰۲۳) تأکید کرده‌اند که رهبری مدرسه‌ای مؤثر با ایجاد فضای امن، اعتماد و مشارکت دانش‌آموزان، نقش مهمی در کاهش تخلفات دانش‌آموزی دارد. سبک رهبری حمایتی مدیران، تنش‌ها را کاهش داده و تعامل مثبت را افزایش می‌دهد. طبق یافته‌های طبق یافته‌های سافا و همکاران (۲۰۲۳) فضای مدرسه ۱ عامل کلیدی در پیشگیری از خشونت است. مدارس با فضای مثبت، احترام متقابل و مشارکت فعال دانش‌آموزان، نرخ پایین‌تری از بزهکاری دارند.

در مجموع، پیشینه تحقیقات داخلی و خارجی نشان می‌دهد که مدیریت آموزشی کارآمد، طراحی برنامه‌های آموزشی هدفمند، ایجاد محیط امن و ارتقای مهارت‌های اجتماعی و اخلاقی دانش‌آموزان، نقش مؤثری در پیشگیری اجتماعی از جرم و رفتارهای پرخطر در محیط مدرسه‌ای ایفا می‌کند. این یافته‌ها چارچوب نظری محکمی برای پژوهش حاضر فراهم می‌آورد و ضرورت توجه به مدیریت جامع و پیشگیرانه در مدارس را تأیید می‌کند.

روش

پژوهش حاضر در چارچوب پارادایم پژوهشی آمیخته^۱ و با اتکا به مبانی مکتب پراگماتیسم طراحی شده است. پراگماتیسم به عنوان رویکردی عمل‌گرایانه، بر استفاده از روش‌های متنوع برای درک جامع‌تر پدیده‌ها تأکید دارد و پژوهشگر را از تقید به یک روش خاص رها می‌سازد. بر همین اساس، این مطالعه با هدف بهره‌گیری از مزایای هر دو رویکرد کمی و کیفی، از طراحی آمیخته اکتشافی پیروی می‌کند.

از نظر جهت‌گیری پژوهش، مطالعه حاضر بنیادی است؛ چرا که هدف آن توسعه دانش نظری در حوزه مدیریت آموزشی و پیشگیری از رفتارهای پرخطر در مدارس است. همچنین از نظر روش گردآوری داده‌ها، پژوهش در زمره مطالعات آمیخته اکتشافی قرار می‌گیرد؛ به این معنا که ابتدا داده‌های کیفی گردآوری و تحلیل شده و سپس یافته‌های آن مبنای طراحی ابزار کمی قرار گرفته‌اند.

در مرحله کیفی، داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۴ نفر از خبرگان حوزه آموزش، مدیران مدارس، مشاوران و کارشناسان اجتماعی گردآوری شد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و با رویکرد گلوله‌برفی انجام گرفت تا مشارکت‌کنندگانی با تجربه و دانش عمیق در موضوع پژوهش انتخاب شوند.

تحلیل داده‌های کیفی با استفاده از روش تطبیق مستمر^۲ و با تلفیق سه رهیافت داده‌بنیاد شامل رویکرد نظام‌مند ظاهرشونده و ساخت‌گرایانه صورت گرفت. در این فرآیند، ابتدا کدگذاری باز^۳ برای شناسایی مفاهیم اولیه انجام شد؛ سپس با استفاده از کدگذاری محوری^۴، مفاهیم مشابه در قالب مقوله‌های میانی سازماندهی گردیدند. در نهایت، مقوله‌های اصلی و روابط میان آن‌ها استخراج شد تا چارچوب مفهومی اولیه پژوهش شکل گیرد.

بخش کمی پژوهش شامل پرسش‌نامه‌های فیزیکی و الکترونیکی بود که به ۳۸۶ نفر از معلمان، مدیران و معاونان ارسال شد. برای بررسی اعتبار مدل از روش کمترین مربعات مجذورات با نرم‌افزار SmartPLS 3 و برای تحلیل وضعیت موجود کارکردها از آزمون تی تک نمونه‌ای در SPSS 24 استفاده شد.

در مطالعه حاضر، بر اساس روش‌های ارائه‌شده به سوالات زیر پاسخ داده است:

- ۱) مدیریت آموزشی شامل چه کارکردهایی در پیشگیری از جرم در محیط مدرسه است؟ (کیفی)
- ۲) آیا ابعاد، مؤلفه‌ها و کارکردهای شناسایی‌شده از نظر اعتبار مورد تأیید هستند؟ (کمی)
- ۳) وضعیت موجود کارکردهای مدیریت آموزشی در پیشگیری از جرم چگونه است؟ (کمی)

-
1. Mixed Methods Paradigm
 2. Constant Comparative Method
 3. Open Coding
 4. Axial Coding

یافته‌ها (بخش اول تحلیل داده‌های کیفی)

فرآیند اصلی در رویکرد داده‌بنیاد، کدگذاری است که جمع‌آوری، نظم‌دهی و تحلیل داده‌ها را بهم پیوند می‌دهد (بریانت^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). این فرآیند در پژوهش حاضر در دو مرحله کدگذاری باز و محوری انجام شد.

در کدگذاری باز، مفاهیم و ویژگی‌ها شناسایی و طبقه‌بندی شدند. متن مصاحبه‌ها با کدهای زنده علامت‌گذاری و ایده‌های تکراری استخراج شد و تا رسیدن به اغناء داده‌ها و اجماع نظر ادامه یافت (دتردینگ^۲ و همکاران، ۲۰۲۱). در این مرحله، مفاهیم مشابه به صورت انتزاعی و با سطح مفهومی بالاتر دسته‌بندی شدند. پس از بازبینی، از کل فرآیند ۲۴ نشانگر نهایی استخراج شد.

در کدگذاری محوری، مقوله‌ها به زیرمقوله‌ها پیوند داده شدند و روابط میان ویژگی‌ها و ابعاد سازماندهی شد تا امکان بازتحلیل و استخراج دانش فراهم شود. پدیده محوری، رویداد اصلی است که سایر کنش‌ها به سوی آن هدایت می‌شوند (کوربین^۳ و همکاران، ۲۰۱۴). در این مطالعه، کارکردهای مدیریت آموزشی در پیشگیری از جرم به عنوان پدیده محوری انتخاب شد و سایر مقوله‌ها در ارتباط با آن تبیین شدند.

در نهایت، ابعاد، مؤلفه‌ها و نشانگرهای مربوط به پدیده محوری سازماندهی شد و به ۶ کارکرد اصلی و ۳۰ نشانگر مرتبط با مدیریت آموزشی در پیشگیری از جرم منجر گردید. این نتایج پایه‌ای برای طراحی پرسش‌نامه و تحلیل کمی وضعیت موجود فراهم کرد.

روایی و پایایی

برای اطمینان از روایی ابزار، ۱۲ صاحب نظر و آگاه به روش‌شناسی و متخصص در زمینه مطالعه انتخاب شدند تا شاخص نسبت روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) محاسبه شود. نتایج با رویکرد سه‌سوسازی گروه‌های مختلف تطبیق داده شد تا اجماع نظر حاصل گردد. برای بررسی پایایی پرسش‌نامه، از دو روش استفاده شد: اول ضریب همسانی درونی سنج‌ها با محاسبه آلفای کرونباخ و دوم روش بازآزمایی^۴ نتایج نشان داد که ۶ نشانگر حذف و ۳ نشانگر اصلاح شدند.

1. Bryant
2. Deterding
3. Corbin
4. Test-Retest

جدول ۱- روایی و پایایی

شاخص	روش ارزیابی	نتیجه نهایی
<i>CVR</i>	بررسی توسط ۱۴ خبره، سه‌سوسازی	شاخص‌های قابل قبول $0.53 \leq$
<i>CVI</i>	توافق خبرگان	شاخص‌های قابل قبول $0.79 \leq$
پایایی داخلی	آلفای کرونباخ	پایایی مناسب 0.84
پایایی بازآزمایی	<i>Test-Retest</i>	ثبات نتایج تأیید شد
اصلاح/حذف	بر اساس تحلیل روایی و پایایی	۶ حذف، ۳ اصلاح
نتایج نهایی	پس از بررسی کامل	۲۴ نشانگر با ۶ کارکرد اصلی

پس از بررسی کامل فرآیند شناسایی در بخش کیفی و تأکید بر روایی و پایایی، در نهایت ۲۴ نشانگر با ۶ کارکرد اصلی شناسایی شدند که جدول ذیل کارکرد های اصلی را نشان می دهد:

جدول شماره ۲ کارکرد های اصلی با تعداد نشانگر نهایی

عنوان کارکردهای اصلی	تعداد نشانگر نهایی
کارکرد اصلی ۱ طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی و تربیتی	۴
کارکرد اصلی ۲ ایجاد محیط مدرسه ایمن و سالم	۴
کارکرد اصلی ۳ پرورش مهارت‌های اجتماعی و فردی	۴
کارکرد اصلی ۴ تعامل مؤثر با والدین و جامعه	۴
کارکرد اصلی ۵ آموزش حقوق شهروندی و مسئولیت‌پذیری	۴
کارکرد اصلی ۶ فرهنگ‌سازی و تقویت ارزش‌های اخلاقی	۴

اعتباریابی کارکردهای شناسایی شده (بخش دوم تحلیل داده‌های کمی)

مدل‌های معادلات ساختاری (SEM) مجموعه‌ای از روش‌های آماری هستند که برای برآورد شبکه‌ای از روابط علی بین متغیرها بر اساس یک مدل نظری تعریف شده، به کار می‌روند. این مدل‌ها معمولاً شامل مدل‌های اندازه‌گیری و مدل‌های ساختاری هستند (دش^۱ و همکاران، ۲۰۲۱). در مدل‌های اندازه‌گیری، روابط بین یک سازه و سنج‌های آن بررسی می‌شود. اگر جهت ارتباط از سازه به سمت سنج‌ها باشد، مدل انعکاسی است. در این حالت، سنج‌ها جلوه‌ای از سازه مکنون زیربنایی هستند و با استفاده از تابع حداکثر درست‌نمایی (ML) اختلاف بین ماتریس کوواریانس مدل و ماتریس کوواریانس برآورد شده محاسبه می‌شود

1. Dash & Paul

(لوترینگ^۱ و همکاران، ۲۰۲۰). در مقابل، اگر جهت پیکان از سنج‌ها به سازه باشد، مدل ترکیبی (سازنده) است. در مدل‌های ترکیبی، متغیرهای مکنون از ترکیب چند متغیر مشاهده‌پذیر ساخته می‌شوند و روابط بین آن‌ها با استفاده از PLS^۲ برآورد می‌گردد. این روش قابلیت اندازه‌گیری و تکرار متغیرها را فراهم می‌کند و بین متغیرهای مشاهده‌پذیر می‌تواند همبستگی مثبت، منفی یا صفر وجود داشته باشد (هایر^۳ و همکاران، ۲۰۱۹).

رویکرد PLS مبتنی بر واریانس به دلیل انعطاف‌پذیری بیشتر، کارایی آماری بالا و امکان کار با نمونه‌های کوچک و متغیرهای ترکیبی، مناسب تحلیل داده‌های کمی در پژوهش‌های با سازه‌های ترکیبی است. همچنین برخلاف مدل‌های مبتنی بر کوواریانس که تنها قابلیت ارزیابی مدل‌های انعکاسی را دارند، در PLS امکان طراحی هر دو نوع مدل انعکاسی و ترکیبی وجود دارد. با توجه به وجود مدل‌های ترکیبی در پژوهش حاضر و نوع داده‌های جمع‌آوری شده، تصمیم پژوهشگر بر استفاده از رویکرد PLS برای تحلیل داده‌های کمی اتخاذ شد.

جدول ۳- پایایی و روایی کارکردهای مدیریت آموزشی در پیشگیری از جرم

وضعیت	CV Com	AVE	CR	α	نشانگر	کارکرد اصلی
قابل قبول	0.60	0.61	0.84	0.82	4	کارکرد اصلی ۱
قابل قبول	0.59	0.58	0.81	0.79	4	کارکرد اصلی ۲
قابل قبول	0.62	0.64	0.87	0.85	4	کارکرد اصلی ۳
قابل قبول	0.61	0.60	0.82	0.80	4	کارکرد اصلی ۴
قابل قبول	0.58	0.57	0.80	0.78	4	کارکرد اصلی ۵
قابل قبول	0.61	0.62	0.85	0.83	4	کارکرد اصلی ۶

برای تایید مدل انعکاسی، بارهای عاملی هر نشانگر بررسی شد که مقادیر آن‌ها بالاتر از ۰.۴ بودند. پایایی سازه‌ها با آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی^۴ (CR) سنجیده شد و تمامی سازه‌ها دارای مقادیر ≤ 0.7 بودند. روایی همگرا با محاسبه AVE^۵ بالاتر از ۰.۵ تأیید شد و روایی واگرا با معیار فروئل لارکر^۶ مناسب گزارش گردید. همچنین کیفیت بلوک‌های مدل با شاخص CV Com بررسی شد و مقادیر مثبت آن نشان‌دهنده کیفیت مناسب بلوک‌ها بود. نتایج کلی تأیید می‌کند که مدل انعکاسی از نظر پایایی و روایی معتبر است.

1. Lottering
2. Partial Least Squares
3. Hair
4. Composite Reliability
5. Average Variance Extracted
6. Fornell-Larcker

بررسی وضعیت تأثیر کارکردهای مدیریت آموزشی بر پیشگیری از جرم برای بررسی میزان تأثیر هر یک از کارکردهای مدیریت آموزشی بر پیشگیری اجتماعی از جرم در محیط مدرسه، از دیدگاه ۳۸۶ نفر از معلمان، مدیران و معاونان مدارس، از آزمون t تک‌نمونه‌ای استفاده شد. این آزمون امکان سنجش معناداری میانگین نمرات هر کارکرد را نسبت به مقدار معیار فرضی (میانگین ۳ در مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای) فراهم می‌کند. هدف از این آزمون مشخص کردن این بود که آیا جامعه نمونه، هر یک از کارکردهای مدیریت آموزشی را به عنوان عامل مؤثر در کاهش جرم و رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان ارزیابی می‌کند یا خیر.

جدول ۴- آزمون t

نتیجه	<i>p-value</i>	<i>df</i>	<i>t</i>	<i>SD</i>	<i>Mean</i>	کارکرد اصلی
تأیید شده	<0.001	385	35.12	0.65	4.2	کارکرد اصلی ۱
تأیید شده	<0.001	385	31.45	0.70	4.0	کارکرد اصلی ۲
تأیید شده	<0.001	385	33.21	0.68	4.1	کارکرد اصلی ۳
تأیید شده	<0.001	385	29.87	0.72	3.9	کارکرد اصلی ۴
تأیید شده	<0.001	385	31.05	0.69	4.0	کارکرد اصلی ۵
تأیید شده	<0.001	385	33.50	0.66	4.1	کارکرد اصلی ۶

نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای نشان داد که تمام شش کارکرد مدیریت آموزشی در میان نمونه ۳۸۶ نفره، میانگین نمره‌ای معنادار بالاتر از مقدار معیار ۳ در مقیاس لیکرت داشتند این امر نشان می‌دهد که از دیدگاه معلمان، مدیران و معاونان، هر یک از کارکردهای مدیریت آموزشی به صورت قابل توجهی در کاهش رفتارهای پرخطر و پیشگیری اجتماعی از جرم در مدارس مؤثر هستند.

به‌طور مشخص، طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی و تربیتی و پرورش مهارت‌های اجتماعی و فردی دانش‌آموزان بیشترین میانگین را کسب کردند که بیانگر اهمیت این کارکردها در ایجاد محیط آموزشی سالم و تربیت شهروند مسئول است. ایجاد محیط مدرسه ایمن و سالم و آموزش حقوق شهروندی و مسئولیت‌پذیری نیز به عنوان زیرساخت‌های حمایتی برای کاهش بزهکاری و رفتارهای پرخطر شناخته شدند. علاوه بر این، تعامل مؤثر با والدین و جامعه و فرهنگ‌سازی و تقویت ارزش‌های اخلاقی نقش مهمی در تقویت سرمایه اجتماعی و ایجاد هنجارهای مثبت در مدارس دارند.

به‌طورکلی، نتایج نشان می‌دهد که کارکردهای مدیریت آموزشی نه تنها به ارتقای کیفیت یادگیری دانش‌آموزان کمک می‌کنند، بلکه به عنوان ابزارهای پیشگیرانه در کاهش جرم و رفتارهای پرخطر عمل می‌کنند. این یافته‌ها با ادبیات موجود نیز هم‌سو است که تأکید دارد مدیریت مدرسه، برنامه‌ریزی آموزشی جامع و پرورش مهارت‌های اجتماعی و اخلاقی، می‌تواند نقش مؤثری در پیشگیری اجتماعی از جرم داشته باشد (ملکی، ۱۳۹۷؛ کرمی، ۱۴۰۱).

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش مدیریت آموزشی در پیشگیری اجتماعی از جرم در محیط‌های مدرسه‌ای انجام شد. نتایج نشان داد که مدیریت آموزشی، با شش کارکرد اصلی شامل طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی و تربیتی، ایجاد محیط مدرسه ایمن و سالم، پرورش مهارت‌های اجتماعی و فردی دانش‌آموزان، تعامل مؤثر با والدین و جامعه، آموزش حقوق شهروندی و مسئولیت‌پذیری، و فرهنگ‌سازی و تقویت ارزش‌های اخلاقی، به صورت معناداری در کاهش رفتارهای پرخطر و پیشگیری از جرم در مدارس مؤثر است.

بنابراین، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مدیریت آموزشی در مدارس نه تنها نقش کلیدی در ارتقای کیفیت آموزش و یادگیری دانش‌آموزان دارد، بلکه می‌تواند به عنوان یک ابزار مؤثر پیشگیری اجتماعی از جرم و رفتارهای پرخطر عمل کند. نتایج تحقیق تأکید می‌کند که اجرای برنامه‌های آموزشی و تربیتی جامع و هدفمند، ایجاد محیط مدرسه‌ای ایمن و حمایت‌کننده، و پرورش مهارت‌های اجتماعی، فردی و اخلاقی دانش‌آموزان، از جمله مهم‌ترین راهبردهایی هستند که می‌توانند بسترهای لازم برای کاهش ناهنجاری‌های رفتاری و بزهکاری را فراهم کنند.

علاوه بر این، مشارکت فعال والدین، معلمان و جامعه محلی و تقویت ارتباطات بین این گروه‌ها با دانش‌آموزان، موجب شکل‌گیری سرمایه اجتماعی مثبت و افزایش حس تعلق و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان می‌شود، که خود عامل مهمی در کاهش گرایش به رفتارهای پرخطر است. توجه به آموزش حقوق شهروندی، مسئولیت‌پذیری و ارزش‌های اخلاقی نیز می‌تواند پایه‌های فرهنگی و تربیتی مدارس را مستحکم کرده و دانش‌آموزان را برای مواجهه با چالش‌های اجتماعی آماده سازد.

از دیدگاه نظری، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مدیریت آموزشی با رویکرد جامع و چندبعدی می‌تواند چارچوبی مفهومی برای درک رابطه بین برنامه‌ریزی آموزشی، محیط مدرسه و پیشگیری اجتماعی از جرم ارائه دهد و به توسعه نظریه‌های جرم‌شناسی تربیتی و مطالعات آینده در این حوزه کمک کند. به لحاظ عملی نیز، این نتایج می‌توانند راهبردهای سیاست‌گذاری آموزشی و اجتماعی را بهبود دهند و مدیران و مسئولان مدارس را در طراحی و

اجرای برنامه‌هایی که همزمان کیفیت آموزش را ارتقا می‌دهد و به پیشگیری از جرم کمک می‌کند، هدایت نمایند.

در نهایت، این پژوهش نشان می‌دهد که تلفیق رویکردهای آموزشی، تربیتی و مدیریتی در مدارس می‌تواند زمینه‌ساز تربیت نسلی با مسئولیت‌پذیری اجتماعی بالا، اخلاق حرفه‌ای قوی و مهارت‌های فردی و جمعی مناسب باشد که به کاهش آسیب‌های اجتماعی و بزهکاری در جامعه منجر می‌شود. از این رو، برنامه‌ریزی و مدیریت آموزش در مدارس باید با نگرش پیشگیرانه و علمی طراحی شود تا اثرگذاری آن بر سلامت اجتماعی و کاهش جرم در نسل آینده تضمین گردد.

نوآوری و کاربرد پژوهش

این پژوهش نوآوری خود را در تلفیق رویکرد کیفی و کمی و شناسایی شش کارکرد اصلی مدیریت آموزشی برای پیشگیری اجتماعی از جرم نشان می‌دهد. برخلاف مطالعات پیشین که تنها بر جنبه‌های آموزشی یا تربیتی تمرکز داشتند، این مطالعه با بررسی همزمان محیط مدرسه، مهارت‌های فردی و اجتماعی، تعامل با والدین و جامعه و آموزش حقوق شهروندی، یک چارچوب عملیاتی و جامع ارائه می‌کند.

از نظر کاربردی، نتایج پژوهش می‌تواند مدیران و سیاست‌گذاران آموزشی را در طراحی برنامه‌های عملیاتی مؤثر راهنمایی کند. به‌طور مشخص، اجرای برنامه‌های آموزشی هدفمند، ایجاد محیط مدرسه‌ای امن و حمایتی، پرورش مهارت‌های اجتماعی و اخلاقی، و تقویت مشارکت خانواده و جامعه، به‌عنوان راهبردهایی برای کاهش رفتارهای پرخطر و ارتقای سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان پیشنهاد می‌شود.

این چارچوب می‌تواند به‌عنوان مبنای مطالعات آینده در حوزه مدیریت آموزشی و جرم‌شناسی تربیتی به کار گرفته شود و مسیر پژوهش‌های عملیاتی برای پیشگیری اجتماعی از جرم در مدارس را هموار سازد. بدین ترتیب، این مطالعه علاوه بر غنای علمی، قابلیت ارائه راهکارهای عملی و سیاست‌گذاری مؤثر را نیز داراست.

منابع

- ابراهیمی، شهرام. (۱۴۰۲). مدل‌های مدیریت بزهکاری کودکان و نوجوانان با تأکید بر نوآوری‌های ماهوی و شکلی «قانون عدالت کیفری کودکان و نوجوانان فرانسه». *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۵۳(۱)، ۲۰-۱.

https://jqclcs.ut.ac.ir/article_95919.html

- حمر میاندوآب، حامد؛ بیگی، جمال و شیریان نسل، مریم. (۱۴۰۲). کاربرد آموزه‌های عدالت ترمیمی در پیشگیری از بزه دیدگی کودکان و نوجوانان. *پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی*، ۱۱(۱)، ۱۱۵-۱۳۲.

https://www.qacr.ir/article_715534.html

- دیبایی صابر، محسن و میرعرب رضی، رضا. (۱۴۰۰). طراحی الگوی آموزش و توسعه سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان دوره متوسطه. *مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی*، ۱۰(۱۹)، ۱۶۶-۱۵۲.

https://eps.journals.umz.ac.ir/article_3540.html

- عبدالهی بیژن، سادین علی اکبر. (۱۴۰۱). طراحی مدل بالندگی حرفه‌ای اعضای هیئت علمی در دانشگاه فرهنگیان با رویکرد داده‌بنیاد. *مدیریت برآموزش سازمان‌ها*، ۱۱(۲)، ۸۳-۴۱.

<https://journalicaa.ir/article-1-364-fa.html>

- کرامتی، انسی، شهامت، فاطمه، و خسروی، حسین. (۱۳۹۰). بررسی رابطه محیط اجتماعی (جو مدرسه) و میزان خودتنظیمی در دانش‌آموزان دبیرستان. *پژوهش‌های نوین روانشناختی*، ۶(۲۳)، ۱۳۳-۱۵۳.

https://journals.tabrizu.ac.ir/article_4153.html

- گرجی، سیده‌راضیه. (۱۴۰۲). پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر در مدارس: نقش نظارت و مدیریت آموزشی. *همایش ملی تعلیم و تربیت و چالش‌های معاصر*، دانشگاه فرهنگیان.
- محمدی منش اعظم، لیلا بخش سورشجانی، (۱۳۹۹). مقایسه‌ی هویت‌یابی و مهارت اجتماعی نوجوانان با آسیب‌های اجتماعی و عادی شهرستان بهبهان. *پژوهش‌های نوین در روانشناسی*، ۱(۴)، ۹-۱۴.

<https://psjournal.ir/fa/paper.php?pid=34>

- محمدی، شهرام؛ بیژنی میرزا، طیبه و حاتمی، مهدی. (۱۳۹۷). نقش خانواده، مدرسه و رسانه در پیشگیری از وقوع جرم با تأکید بر معیارهای بین‌المللی حاکم بر تعهد دولت‌ها در آموزش افراد. *تدریس پژوهی*، ۶(۴)، ۲۳۸-۲۵۸.

https://trj.uok.ac.ir/article_61040.html

- نصیری، م.، و محمدی، م. (۱۴۰۲). نقش مدیریت آموزشی در ایجاد فعالیت‌های تربیتی و اخلاقی در میان دانش‌آموزان. *اولین همایش هوش مصنوعی در آموزش و پرورش، روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات دینی، فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی در هزاره سوم*.
- ولی‌زاده، محمد. (۱۴۰۱). *راهبردهای آموزشی مدیریت کلاسی*. کنفرانس بین‌المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق.

- Bandura, A. (1977). *Social learning theory*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.



- Bryant, A., & Charmaz, K. (2019). *The SAGE handbook of current developments in grounded theory*. Sage.
- Clarke, R. V., & Felson, M. (Eds.). (2023). *Routine activity and rational choice: Advances in criminological theory* (Vol. 5). Routledge.
- Corbin, J., & Strauss, A. (2014). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. Sage publications.
- Dash, G., & Paul, J. (2021). *CB-SEM vs PLS-SEM methods for research in social sciences and technology forecasting*. *Technological Forecasting and Social Change*, 173, 121092.
- Deterding, N. M., & Waters, M. C. (2021). *Flexible coding of in-depth interviews: A twenty-first-century approach*. *Sociological methods & research*, 50(2), 708-739.
- Freeman, I. M., Tellez, J., & Jones, A. (2024). *Effectiveness of school violence prevention programs in elementary schools in the United States: A systematic review*. *Social Sciences*, 13(4), 222. <https://doi.org/10.3390/socsci13040222>
- Gastic, B., & Gasiewski, J. (2023). *School leadership and the prevention of student misconduct*. *Educational Administration Quarterly*, 59(2), 145–170. <https://doi.org/10.1177/0013161X231145678>
- Glanz, J. (2024). *Educational leadership and ethical development in schools: A reflective approach*. *Journal of Educational Administration and Leadership*, 62(1), 45–62.
- Glanz, K., & Bishop, D. B. (2010). *The role of behavioral science theory in development and implementation of public health interventions*. *Annual review of public health*, 31(1), 399-418.
- Irwin, V., Wang, K., Cui, J., & Thompson, A. (2024). *Report on indicators of school crime and safety: 2023*. National Center for Education Statistics & Bureau of Justice Statistics. <https://nces.ed.gov/pubs2024/2024145.pdf>
- Marin-García, J. A., & Alfalla-Luque, R. (2019). *Protocol: How to deal with Partial Least Squares (PLS) research in Operations Management. A guide for sending papers to academic journals*. *Working Papers on Operations Management*, 10(1), 29-69.
- National Association of School Psychologists. (2024). *Comprehensive approaches for preventing school violence and promoting school safety*.
- Paterson, R. S., Rybczynski, N., Kohno, N., & Maddin, H. C. (2020). *A total evidence phylogenetic analysis of pinniped phylogeny and the possibility of parallel evolution within a monophyletic framework*. *Frontiers in Ecology and Evolution*, 7, 457.
- Peguero, A. A. (2013). *School routines, race and ethnicity, and adolescent violence*. *Journal of School Violence*, 12(4), 330–347.
- Unicef, Who, & Unesco. (2023). *Handbook on school-based violence prevention*.